

عصر نوین و چالش های سلامت مردان و خانواده

برای تعریف آنچه از آن به نام "زندگی مدرن" انسانها در جوامع مختلف شناخته می شود، شاید مولفه های دقیقی که برای همه جوامع قابل تسری باشد نتوان ارائه کرد. اما اجمالا برخی از نمود های کمابیش مشترک را برای آن می توان بر شمرد. برخی از این نمود ها عمومیت بیشتری دارد و شاید با کمی اغماض بتوان آنها را جزو شاخصه های ذاتی سبک زندگی مدرن به شمار آورد. برخی دیگر لزوما مرتبط با ذات مدرنیسم نیستند اما در عمل بروز آنها در شیوه زندگی مدرن محسوس است؛ با این حال می توان جامعه ای را با شیوه مدرن ولی بدون این نمودها نیز تصور کرد.

از سوی دیگر نام سنتی یا مدرن دادن به یک جامعه خاص به طور مطلق تقریبا غیر ممکن است چرا که این نامگذاری نسبی و مبتنی بر استنباط ما از اکثریت گرایش های افراد جامعه است. به این ترتیب در هیچ جامعه مدرنی، همه ی افراد آن مدرن نیستند و بر عکس.

با این مقدمه به برخی از شاخصه ها و تاثیر آنها مشخصا بر سلامت مردان اشاره خواهد شد. اما پیش از آن، تذکر این نکته ضروری است که برخی از این موارد عینا به زنان و کودکان جامعه نیز قابل تعمیم است و برخی از آنها نیز به طور غیر مستقیم و پس از تاثیر بر سلامت مردان جامعه، بر احساس امنیت و سلامت روانی خانواده و ثبات اجتماعی و اقتصادی خانواده موثر بوده و همچنین تاثیرات غیر مستقیم بر سلامت جسمی سایر اعضای خانواده نیز می گذارد. با این دیدگاه، عملا مساله سلامت مردان فراتر از مردان می رود و تاکید بر سلامت مردان، به هیچ وجه به معنی فراموش کردن سلامت سایر اقشار جامعه نیست؛ بلکه تاکید بر مواردی است که این قشر از جامعه به دلیل روحیات خاص مردانه، سهل انگاری در مراجعات و پیگیری های مرتبط با سلامت و مواجهه بیشتر با برخی خطرات، باید آگاهی بیشتری از این موارد داشته باشند.

(۱) حوادث رانندگی: وسایل نقلیه امروزی با سرعت های فزاینده، از مظاهر مهم زندگی مدرن هستند. در کشور ما متاسفانه آمارهای مرگ و میر جاده ای در طی دهه های اخیر یا افزایش داشته و یا حداقل کاهش آن چشمگیر نبوده اند در همه این سالها آمار تلفات جاده ای و مصدومین در میان مردان آشکارا بیشتر بوده است. گرچه نقش برنامه ریزان و مدیران مرتبط با این حیطه در کاهش این رقم سهمگین (قریب به سی هزار نفر در سال) کاملا مهم است، همه ی ما با نگاهی منصفانه می توانیم بفهمیم که نقش آگاهی مردم و رعایت قانون در رانندگی بسیار مهمتر است تا آنچه مدیران باید انجام دهند.

(۲) حوادث شغلی (عمدتا در صنایع): رشد صنعت نیز یکی از تجلیات زندگی مدرن است. سالیانه ۲۷۱ میلیون نفر از نیروی کار در جهان به دلیل حوادث ناشی از کار دچار آسیب می شوند که از این میزان، ۲ میلیون نفر جان خود را از دست می دهند. همچنین بیش از ۱۶۰ میلیون نفر نیز به علت قرار گرفتن در معرض عوامل زیان آور محیط کار به بیماریهای شغلی مبتلا می شوند. سازمان بهداشت جهانی (WHO) در سال ۲۰۰۲، ۳۷ درصد کمردردها، ۱۶ درصد کاهش شنوایی ها، ۱۳ درصد بیماریهای انسدادی مزمن ریه، ۱۱ درصد آسم ها، ۱۰ درصد تومورها و ۱۰ درصد سرطانه را مربوط به عوامل زیان آور محیط کار دانسته است. این آسیبها عمدتا مردان را درگیر می کند چرا که عمده این مشاغل، شغل هایی سخت و مردانه محسوب می شوند. آگاهی رسانی مداوم می تواند به مطالبه گری و رعایت بهتر نکات ایمنی هر شغل بینجامد و بهبود در میزان بروز چنین آسیبهایی را سبب شود.

(۳) آلودگی های زیست محیطی: علاوه بر مثالهای ملموسی چون آلودگی هوا که بسیاری از مردم شهرهای بزرگ و بخصوص تهران را درگیر می کند، امواج گوناگونی که چندان خطرات احتمالی آنها مورد توجه قرار نمی گیرد با اطلاعات موجود درباره آنها کامل و جامع نیست (موبایل و ماهواره و پارازیت و ...) ممکن است علتی برای بسیاری از بیماریهای جسمی (سرطانها، ناباروری، بیماریهای با منشأ ناشناخته...) و روانی (اضطراب، بی خوابی...) باشند. انواع دیگری از آلودگی مانند آلودگی آب و آلودگی صوتی نیز بحث هیا تخصصی خود را می طلبد که از آنها می گذریم.

(۴) تغییر الگوی تحرک افراد: واضح است که شیوه زندگی نوین به تدریج تحرک بدنی را در بسیاری از مردم کاهش می دهد. تبعات این کاهش تحرک در هر دو جنس مشهود است (چاقی، فشار خون، دیابت، بیماریهای قلبی و عروقی، پوکی استخوان و) اما این عواقب منفی در مردان بروز بیشتری دارد. بسیاری از این بیماریها نیز در مراحل اولیه ممکن است سالها پنهان باشند و راه کشف آنها بیماریابی فعال است و نقش پیگیری های خود فرد در این بیماریابی ها اساسی است. این امر یک بار دیگر تاکید بر نقش آموزش های عمومی و آگاهی است.

۵) مصرف سیگار، مواد مخدر، الکل و ...: در جوامع امروزی رواج این عادات به طور قابل ملاحظه ای دیده می شود. حتی در کشورهایی که توانسته اند روند رشد مصرف سیگار را معکوس کنند، همچنان مصرف کنندگان سیگار درصد قابل توجهی را به خود اختصاص می دهد. پیدایش مواد مخدر صناعی نیز پیچیدگیهای مربوط به تشخیص و کشف این موارد را بیشتر کرده است. درباره عوارض حاد و مزمن این عادات اجتماعی نیز به قدر کافی سخن گفته شده. بدیهی است که در جامعه ایرانی این عادات عمدتاً در میان مردان رایج است. هر چند رشد مصرف سیگار و مواد مخدر در زنان (به خصوص دختران و زنان جوان) عارضه ای است که ای بسا می شد با برنامه ریزی به موقع، میزان امروزی آن را کاهش داد و البته برای آینده نیز هر چه زودتر اقدام شود بهتر است.

۶) در ایران، افزایش میانگین امید به زندگی در جامعه، و رشد آرام و تدریجی جمعیت میانسالان با توجه به هرم جمعیتی دو دهه اخیر، برخی از چالش ها را که در دهه های پیشین کمتر مورد توجه قرار می گرفتند به تدریج پر رنگ تر خواهد کرد. گروهی از بیماریها که شیوع بیشتری می یابند، درمانهای همین بیماریها و عوارض درمانها و برخی موارد طول کشیده، و اهمیت روزافزون مساله کیفیت زندگی در این بیماران، سمت و سوی برخی مراقبت های سلامت را به آرامی تغییر می دهد. همه اینها چالش هایی برای سیاستگذاران سلامت، ارائه دهندگان خدمت و سازمانهایی چون بیمه ایجاد می کند و به روز سازی سیاستها و بازتعریف بودجه بندی ها را ضروری می سازد.

۷) افزایش سن ازدواج جوانان بخصوص در محیط های شهری، دسته ای از دغدغه های جدید اجتماعی - رفاهی و حتی اقتصادی پیش آورده است. از جمله این دغدغه های جدید، مسائل مرتبط با سلامت روانی اجتماعی، حفظ چهارچوبهای عرفی جامعه (نه لزوماً تمامی عادات اجتماعی) و دغدغه هایی چون باروری زوجین است که به وضوح تحت تأثیر سن زوجین قرار می گیرد. سیاست های تسهیل ازدواج از جمله وامها و ازدواجهای گروهی و ... نیز در یک نگاه منصفانه، در تسهیل واقعی ازدواج و تسریع در تصمیم گیری جوانان برای تشکیل زندگی مشترک موثر واقع نشده اند. شاید مهم ترین دلیل این عدم توفیق آن است که حمایتهای "لحظه شروع" دردی از مشکلات "پس از شروع" زندگی مشترک را درمان نمی کنند. به عنوان مثال زوجهای نابارور با میانگین سنی بالاتر اگرچه در پوشش هزینه های درمان ناباروری نسبت به چند سال پیش وضعیت بهتری دارند، اما همچنان هزینه های انجام این درمانها در مورد بسیاری از زوجین، ثبات زندگی اقتصادی اجتماعی شان را برهم می زند.

اینها تنها نمونه هایی از چالش های زندگی امروزی برای سلامت جامعه است. حل برخی از این مشکلات آسانتر و برخی به شدت پیچیده است. اما جز مواجهه و برنامه ریزی منطقی و استفاده از تجارب سایر جوامع با آغوش باز و مهمتر از همه به رسمیت شناختن وجود این مشکلات چاره دیگری ندارد. به تعویق انداختن رسیدگی به این مسائل البته به سرعت باعث پیچیده تر شدن مشکل خواهد شد و بازگرداندن روند رو به سرشارایی آن بسیار سخت خواهد بود.

دکتر فرزین سلیمان زاده

استادیار دانشگاه و عضو هیات مدیره انجمن اورولوژی ایران